

مقایسه عامل شخصیتی سلطه بین ورزشکاران و غیر ورزشکاران



چکیده

هدف از انجام این پژوهش مقایسه عامل سلطه بین ورزشکاران و غیر ورزشکاران می باشد . نمونه ها شامل ۴۵ ورزشکار برتر شهر اصفهان بود که حداقل ۴ سال فعالیت ورزشی مداوم و مستمر داشته اند تا اثرات تمرينات ورزشی در آنها ظاهر شده باشد. از جمله فوتبالیستهای باشگاه ذوب آهن اصفهان، بسکتبالیستها و هندبالیستهای باشگاه فولاد مبارکه و وزنه برداران منتخب استان اصفهان و همچنین ۴۱ نفر از مردان غیرورزشکار که به صورت تصادفی انتخاب شدند. دامنه سنی برای هر دو گروه ۲۰ تا ۴۰ سال در نظر گرفته شده است. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ۱۶ عاملی کتل بود که در آن عامل E یا سلطه توسط ۱۳ پرسش سنجیده می شد. نتایج حاصله نشان داد که بین دو گروه ورزشکار و غیرورزشکار از نظر عامل سلطه تفاوت معنی داری وجود ندارد. شاید توجه به عواملی از جمله تغییرات حاصل از فعالیت ورزشی پس از گذشت چندین سال همچنین جنس ورزشکار، سن ورزشکار، رشته ای ورزشی، تعداد نمونه ها و سطح مهارت ورزشی در تحقیقات بعدی در دستیابی به نتایج متفاوت بی تاثیر نباشد.

واژه های کلیدی: سلطه، ورزشکار، غیرورزشکار



^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خواراسکان

^۲ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خواراسکان

مقدمه

امروزه با پیشرفت علوم بخصوص در شناخت انسان به عنوان فردی پویا و فعال و شناخت ویژگیهای او به تفاوتها و همچنین تشابهات فردی در خصیصه های مختلف برمی خوریم. برخی از علوم ورزشی نیز به بررسی و شناخت انسان در زمینه های گوناگون از جمله حالات روانی و خصوصیات شخصیتی ورزشکاران می پردازد و نیز تفاوتها ای را آشکار می سازد که روشنگری بیشتر در این باب، ضرورت مطالعه بیشتر را می طلبد.

از آنجایی که افراد جامعه متفاوت می باشند، لذا هر کدام نیز دارای خصوصیات شخصیتی متفاوتی می باشند وینبرگ^۱ (۲۰۰۳) شخصیت را مجموع آن خصوصیاتی می داند که یک شخص را منحصر به فرد می سازد (وینگ هو^۲، ۲۰۰۶).

آلبورت^۳ شخصیت را اینگونه تعریف می کند: سازمانی پویا در سیستم های روانی شخص که به قضاوت های منحصر به فردی در این سیستم ها منجر می شود (ماریسیو^۴، ۲۰۰۵). تحقیقات اخیر هرناندز^۵ و همکاران شخصیت را نوعی سازمان پایدار یا نسبتاً پایدار منش خلق، هوش و موقعیت جسمی فرد تعریف می کند که منجر به سبک مشخصی برای وفق دادن خود با محیط و ارتباط متقابل با محیط می شود (هرناندز، ۲۰۰۲).

اگرچه شخصیت افراد در اوایل زندگی شکل می گیرد ولی بعضی از کارشناسان براین باورند که شخصیت با تجارت بعدی تغییر می یابد و اصلاح می شود.

بعضی از روانشناسان بر این باورند که شرکت در فعالیت های ورزشی و قهرمانی در بهبود و توسعه شخصیت مؤثر است و بسیاری از ورزشکاران زده دارای خصوصیات شخصیتی بخصوص خود هستند که آنانرا از افراد مبتدى یا غیر ورزشکار متمایز می سازد (آهولا^۶، ترجمه فلاحی و حاجیلو، ۱۳۷۲).

^۱- Winberg

^۲- Wee Eng Hoe



^۳- Albert



^۴- Mauricio



^۵- Hernandez



^۶) Ahola

به گفته هوگان، ۲۰۰۵، الیز، ۲۰۰۲؛ تورسن و برادلی، ۲۰۰۴ شخصیت توسط تست های خودشناسی ارزیابی می شود که پاسخ دهنده این توسط آن احساسات یا رفتارشان و میزان خصوصیاتی مثل عصبی بودن، اضطراب، بروون گرایی، سلطه طلبی، حامی بودن، حساسیت، وظیفه شناسی و ... را تعیین می کنند (نانسی^۱ و همکاران، ۲۰۰۶).

از جمله عوامل یا رگه های عمیقی شخصیت عامل سلطه می باشد. سلطه عاملی است که بیشتر در روابط انسانی بروز می کند. هیچ نشانه ای جهت وجود یک عامل بیماری زا نیست و فرد می تواند در عرصه های مختلف اجتماعی درصد های متفاوتی از سلطه را به خود گیرد (کراز، ترجمه منصور و دادستان، ۱۳۸۱).

یک ورزشکار هنگامی در کار گروهی موفق است که بتواند ارتباط صحیح و منطقی با دیگر هم تیمیهای خود برقرار کند تا علاوه بر حفظ خصوصیات فردی و شخصیت خود، با هدفهای آرمانی تیم همسو شده و خود و دیگران را به آن سمت هدایت کند و این موضوع چه درصدی از سلطه را می طلبد؟

در نیم قرن اخیر پرسشنامه های زیادی به منظور سنجش شخصیت انتشار یافته اند که یکی از این پرسشنامه های معتبر تست ۱۶ عاملی شخصیت کتل^۲ می باشد. که از جمله عامل سلطه تحت عنوان عامل E سنجیده می شود که در این تحقیق استفاده گردیده است. بسیاری از محققان تفاوت های شخصیتی بین ورزشکاران را بررسی کرده اند.

از جمله کوپر (۱۹۷۹)، هاسمن (۱۹۶۸)، اگیلوی (۱۹۶۸) و همچنین واربرتون (۱۹۷۷) که دریافتند ورزشکاران از لحاظ روانی دارای صفات بروونگرایی، اعتماد به نفس، رهبری، ثبات احساسات و دارای روحیه تهاجمی و سلطه طلبی هستند (کوپر^۳، ۱۹۷۹).

ویلیام در سال ۱۹۷۸ گزارش داد که ورزشکاران زن تمایل دارند که بیشتر قاطع، سلطه جو، خودپسند، مستقل، پرخاشگر، باهوش، محتاط و پیشرو باشد و میانگین پائینی از احساسات را دارا هستند (ویلیام^۴، ۱۹۷۸).



¹-Nancy

²- Kattel

³- Cooper

⁴- William

آموخت و کیمبراف (۱۹۸۲) و والیانت و مک کلوی (۱۹۸۱) دریافتند که بازیکنان فوتبال نسبت به غیر ورزشکاران بیشتر سلطه طلب هستند ولی در این خصیصه نسبت به بازیکنان بسیار و اعضای تیم دوی صحرانور دی تفاوتی ندارند (المان و مک کلوی، ۲۰۰۳). تحقیقات ارائه شده فوق بیانگر وجود نوعی ارتباط بین مشارکت ورزشی و شخصیت ورزشکار بود در حالی که تحقیقات دیگر این ارتباط را تأیید نکرده است.

در این زمینه دیموند توomas (۱۹۸۲) طی تحقیقی که در آن ورزشکاران سطح بالا تحت آزمایش تست های شخصیت قرار گرفتند و به موازات آن گروه کنترل نیز به همان پرسشنامه پاسخ دادند، دریافت که امکان نتیجه گیری یک نوع رابطه بین شخصیت و ورزش وجود ندارد (توomas، ترجمه سروری، ۱۳۷۰).

فرارنر و کاتھیل (۱۹۶۶) اعلام کردند که به طور کلی اطلاعات از این فرضیه که تجارب ویژه ورزشی باعث تغییرات در ویژگی های شخصیتی مخصوصاً تأثیر مثبت می شود حمایت نمی کند.

البته این بدین معنا نیست که الگوهای رفتاری ثابت می ماند (آلدرمن، ۱۹۷۴). مدعی (۱۹۶۸) نیز نظری مشابه ارائه نمود که تغییرات شخصیت به تدریج اتفاق می افتد و اظهار می کند که جستجو برای تغییرات شخصیت به عنوان نتیجه شرکت در فعالیت های ورزشی یا جسمانی بی اثر است (همان منبع).

والی (۱۹۹۲) خاطر نشان ساخت تفاوت بارزی بین ورزشکاران و غیر ورزشکاران وجود ندارد و این حقیقت را موریس (۲۰۰۰)، گویلن و کاسترو (۱۹۹۴) نیز تأیید می کنند (گاتاس، ۲۰۰۵).

در همین زمینه کرول (۱۹۷۰) روشاو و ماتینز (۱۹۷۵)، کارون (۱۹۸۰) و الیگوی و توکتو (۱۹۷۱) نتیجه گرفتند که ویژگیهای شخصیتی که ورزشکاران را از غیر ورزشکاران مستثنی می کند وجود ندارد (بات، دوکاس و سوزان، ۱۹۸۷).

گابلر (۱۹۷۶) در تحقیقی به بررسی ویژگیهای شخصیتی ۱۵۴ شناگر ماهر زن با استفاده از تست ۱۶ عاملی کتل پرداخت که در آن فاکتورهایی از قبیل ثبات هیجانی، سلطه گرایی، جرأت،



جسارت و ... بررسی گردید. نتایج نشان داد شناگران در صفات مذکور پس از ۴ سال انحراف معیار کمی نشان دادند و به سختی می توان در آنها تغییری مشاهده کرد(بیکر ۱۹۹۰).

از آنجا که یافته های متناقضی در رابطه با تفاوت های شخصیت های ورزشکاران و غیر ورزشکاران بدست آمده است و همچنین به دلیل اینکه فرهنگهای مختلف باعث شکل گیری شخصیت های مختلفی حتی در محیط های ورزشی می شود(المان و مکلوی، ۲۰۰۳) لذا ضرورت بررسی عوامل شخصیتی تحت تأثیر ورزش در ایران نیز احساس می گردد. بنابراین هدف اجرای این پژوهش مقایسه عامل سلطه بین ورزشکاران و غیر ورزشکاران بود.

روش شناسی

این تحقیق از نوع توصیفی مقایسه ای بوده است. نمونه ها شامل ۴۵ ورزشکار برتر شهر اصفهان بودند(در دامنه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال) که حداقل ۴ سال فعالیت ورزشی مداوم و مستمر داشته اند تا اثرات تمرینات ورزشی در آنها ظاهر شده باشد.

از جمله فوتبالیستهای باشگاه ذوب آهن اصفهان، بسکتبالیستها و هندبالیستهای باشگاه فولاد مبارکه و وزنه برداران منتخب اصفهان و همچنین ۴۱ نفر از پسران غیرورزشکار که به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند.

ابزار تحقیق

پرسشنامه ای شامل یکسری سؤالات دموگرافیک و ۱۳ پرسش از تست استاندارد شده ۱۶ عاملی کتل بود که در آن عامل E یا سلطه سنجیده شد. این پرسشنامه برای ایرانیان هنگاریابی شده است (کراز، ۱۳۸۱).

روشهای آماری در این پژوهش از نوع توصیفی و استنباطی بود که در قسمت آمار استنباطی از آزمون t برای گروههای مستقل استفاده شد. کلیه نتایج در سطح $P < 0.01$ معنی دار در نظر گرفته شد.



یافته های پژوهش

جدول شماره (۱) : مقایسه میانگین های دو گروه ورزشکار و غیر ورزشکار در عامل سلطه

p	t	انحراف معیار	دامنه تغییرات	میانگین	نمره کل	تعداد	
۰/۰۱	۰/۰۳	۳/۱۶	۱۵	۱۰/۶۴	۴۷۹	۴۵	ورزشکار
۰/۰۱	۰/۰۳	۲/۱۶	۱۰	۱۰/۶۶	۴۳۷	۴۱	غیر ورزشکار

بحث و نتیجه گیری

در این بخش پس از اعلام صریح نتایج به بحث پیرامون تطبیق یافته ها با سایر تحقیقات و نظریه های موجود در این زمینه پرداخته می شود.

مفهوم اصلی این پژوهش این بود که عامل سلطه که یکی از فاکتورهای شخصیت است را در بین ورزشکاران و غیر ورزشکاران مقایسه کند. در این خصوص این سؤال وجود داشت که آیا فعالیت ورزشی به عنوان یک متغیر مستقل می تواند تغییراتی را در میزان سلطه یابی ایجاد نماید؟

در این خصوص نتایج حاصل از تحقیق و تجزیه اطلاعات نشان می دهد که فعالیت ورزشی نمی تواند باعث ایجاد تغییرات چشمگیری در عامل سلطه باشد. این تحقیق با انجام عملیات آماری بیان می دارد که بین عامل سلطه یابی گروه ورزشکار و غیر ورزشکار تفاوت معنی داری وجود ندارد.

با مراجعه به پیشینه تحقیق مشاهده شد که بعضی از محققین از جمله توomas(۱۹۸۲)، فرارنر کاتھیل(۱۹۶۶)، مدبی(۱۹۶۸)، والی(۱۹۹۲)، موریس(۲۰۰۰)، گویلن و کاسترو(۱۹۹۴)، کرول(۱۹۷۰)، روشاو و مارتینز(۱۹۷۵)، کارون(۱۹۸۰)، اگیلوی و توتکو(۱۹۷۱) و گابلر(۱۹۷۶) به

نتایج تقریباً یکسانی رسیدند و در مجموع خاطر نشان کردند که ورزش حرفه ای در تغییر فاکتورهای شخصیتی که سلطه نیز یکی از این فاکتورهای مؤثر نیست و تغییر در خصوصیات شخصیتی را باید در عوامل دیگر جستجو کرد.

ولی تحقیقات نانسی و همکارانش (۲۰۰۶)، کوپر (۱۹۷۹)، هاسمن (۱۹۶۹)، اگیلوی (۱۹۶۸) و اربرتون (۱۹۶۷)، ویلیام (۱۹۷۸)، آموت و کیمبراف (۱۹۸۲) و الیانت و مک کلوی (۱۹۸۱) به وجود نوعی ارتباط اشاراتی داشته اند. با توجه به یافته های پژوهش حاضر و مقایسه آن با تحقیقاتی که به نتایج متفاوتی رسیده اند به نظر می رسد یافته های متفاوت این پژوهش می تواند به علت تفاوت در متداولوژی تحقیق باشد.

همان گونه که إلمان و مک کلوی (۲۰۰۳) در پژوهشها خود به آن اشاره کرده اند از جمله: تفاوت در انتخاب ابزار سنجش چرا که پرسشنامه های متفاوتی در خصوص ارزیابی شخصیت وجود دارد که هر یک از محققین انتخاب خود را داشته اند، همچنین جنس ورزشکار، سن ورزشکاران، رشته ای ورزشی، تعداد نمونه ها و سطح مهارت ورزشی آنان می تواند علت این تفاوت باشد.

از آنجا که فعالیت ورزشی پس از گذشت چندین سال ممکن است بتواند تغییرات مهمی را در ابعاد شخصیت فرد ایجاد کند لذا ممکن است ورزشکاران پژوهش حاضر هنوز به حد مناسبی برای بررسی این تغییرات نرسیده باشند.

همچنین بایستی موقعیت اجتماعی افراد را نیز در نظر گرفت چنانچه مزلو و آپورت پس از بررسی عامل سلطه به این نتیجه رسیدند که سلطه تا حدی وابسته به موضع اجتماعی است و این عامل در افرادی که رهبری می کنند قوی تر از افرادی است که پیروی می کنند و ممکن است سن فرد نمودار کلی این عامل را تغییر دهد و علائم دگرگونی های نامساعد پیری آشکار شوند (کراز، ۱۳۸۱).

علاوه بر آن با توجه به تحقیق وینگ هو (۲۰۰۶) که به این نتیجه رسید که تفاوت مهمی بین شخصیت ورزشکاران مختلف وجود ندارد ولی از نظر انفرادی یا تیمی بودن، بعضی از فاکتورهای شخصیت می تواند متفاوت باشد که ممکن است عامل سلطه را نه به صورت کلی بین تمام ورزشکاران و غیر ورزشکاران بلکه اگر به صورت مجزا بین تمام رشته ها با یکدیگر و با غیر ورزشکاران مقایسه کنیم تفاوت معنی داری مشاهده کنیم. لذا پیشنهاد می شود پژوهشها یی در

این زمینه صورت گیرد. در هر حال اگر چه در عامل سلطه در این پژوهش تفاوتی مشاهده نشد ولی از آنجاییکه فعالیتهای ورزشی چنانچه با موفقیت همراه باشند ممکن است تشویق یا تأیید دیگران را به دنبال داشته باشد، لذا ورزشکار احساس ارزشمندی کرده به رضایت درونی می رسد در واقع به خود پنداره‌ی مثبت رسیده که این امر انگیزه‌ی دستیابی به موفقیت را افزایش می دهد و به نوبه‌ی خود تأثیرات مطلوبی را بر شخصیت ورزشکاران بر جای خواهد گذاشت.

منابع

- آهولا ، اسود هتفیلد، براد . روانشناسی ورزش با رویکرد اجتماعی ، ترجمه رضا فلاحتی و محسن حاجیلو، تهران ، انتشارات دفتر تحقیقات آموزش سازمان تربیت بدنی، ۱۳۷۲.
- ژ، کراز، بیماری های روانی . ترجمه م. منصور و پ. دادستان ، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۱.
- توماس. ریموند ، روانشناسی ورزش ، ترجمه دکتر محمد حسین سروی، تهران انتشارات یگانه، ۱۳۷۰.
- شیولسون . ج . آر . استدلال آماری در علوم رفتاری ، ترجمه ع. کیامنش، انتشارات ماجد، ۱۳۷۴.

Wee Eng Hoe , ph.D.2006. The effects of sport's Involvement of Athletes personalities. Faculty of sport science & Recreation university Technology MARA.

(<http://www.fp.utm.my/epu sat umber / seminar / convention 2006 paper / paper 35 . pdf.>)

Mauricio Gattas Bara Fillo , Luiz Carlos scipiao Ribero and Flix Gulline Garcia ,.2005.comparison of personality charka statistics between high-level Brazilian athletes and non-athletes. Rev Bras Med E sport-vol .11.No.2.

Hernandez-Ardieta IP, Lopez Jc , Dolores M,Ruiz, Ejo. Personalidad . differne cias individuals Y ejecucion deportiira . In: zafra A , Ruiz Hj , Garcia Gn , coordinadores . Manual de psicologia del deporte. Murica ; Dm , 2002:105-23.

Nancy A.schaubhut , David A.c. Donnay , and Richard C.

Thompson . personality profiles of North American professional football players . poster presented at the Annual convention of the society for Industrial and organizational psychology .

Cooper ,L . (1969). Athletic , activity and personality . A Review of the literature . Research Quarterly , 40 , 17-22 .

William s , Jean . M , personality traits of champion level female Fence . research Quarterly , vol41, no 3 , 1978.

Elman , W.F. , and Mckelvie , S.J.)2003.March). Narcissism in football player s: stereo type or reality ? Athlete Insight , 5.

Retriered August 2,2005, from <http://www.athleticinsight.com/>

Vol5Iss11 /Narcissism.htm.

Alderman , Richard. B, sport psychological aspect . Saunders, Philadelphia , 1974.

Butt , darcas , susan. psychology of sport . Van Nostrand Reinhold . U.S.A , 1987 .

Bakker.F.C.,whiting .H.T.A , sport psychology concepts and application , 1990.

